

## دارالترجمه ناتی اکسیر

www.naatitranlationoffice.com

ترجمه تخصصی متون کلیه رشته ها

### لغت نامه حقوقی (۹)

۱	Adverse witness (also hostile witness)	شاهد معارض؛ شاهد معاند (شاهدی که نسبت به طرف احضار کننده خصومت ورزد)
۲	Advice	مشاوره حقوقی یا تخصصی؛ اطلاعیه؛ اعلامیه؛ توصیه؛ اطلاعیه کتبی بازرگان یا بانک به بازرگان یا بانک دیگر دایر بر اعلام حمل کالا یا ارسال برات یا سفته بر عهده طرف اخیر
۳	Advise	اعلام کردن؛ نظر (مشورتی) دادن؛ توصیه کردن؛ اطلاع دادن؛ اخطار کردن
۴	Advising bank	بانک ابلاغ کننده
۵	Advisory arbitration	داوری مشورتی
۶	Advisory opinion	نظر مشورتی
۷	Advocate (n. advocacy)	دفاع کردن؛ پشتیبانی کردن؛ وکیل؛ مدافع؛ پشتیبان؛ دستیار؛ مشاور
۸	<i>Aequitas sequitur legem</i>	انصاف تابع قانون است
۹	<i>Affectio societatis</i>	مال الشریکه
۱۰	Affiance	قول؛ قول ازدواج (نامزدی)
۱۱	Affiant	گواه؛ شاهد (با شهادت کتبی)
۱۲	Affidavit	سوگندنامه؛ شهادت نامه
۱۳	Affiliate	پیوستن؛ تلفیق کردن؛ وابسته
۱۴	Affiliation	وابستگی؛ پیوستگی
۱۵	Affirm	تأیید کردن؛ تصدیق کردن؛ اثبات کردن؛ ابرام کردن؛ شهادت دادن
۱۶	<i>Affirmanti, non neganti, incumbit probatio</i>	بار اثبات ادعا بر عهده خواهان است، نه خواننده
۱۷	<i>Affirmantis est probare</i>	هر کس که ادعا کرد، اثبات هم با اوست
۱۸	Affirmation (also asseveration)	تأیید؛ تصدیق؛ اعلام رسمی؛ تصویب؛ سوگند به شرافت
۱۹	Affirmative	مثبت
۲۰	Affirmative condition (also positive condition)	شرط فعل
	Affirmative defense	دفاع با فرض صحت ادعا

